

## تحلیل مسئولیت بر اصیل واقعی ورای حجاب شخصیت حقوقی شرکت تجاری در یک رأی قضایی

مجید میرزایی امغانی \*

### مشخصات رأی

دادنامه شماره: ۱۰۱۷۱۷/۲۲۰۱۰۹۹۷۰۹۲۰<sup>۱</sup>

خواستنه: مطالبه وجه

مرجع رسیدگی بدوی: شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران

مرجع رسیدگی تجدیدنظر: شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

### ۱. وقایع پرونده:

براساس دعوای مطروحه که بدواً توسط شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران رسیدگی شده، خواهان که از محل معاملات خود با شرکت (ت) (خواننده ردیف دوم) مبالغی بستانکار گردیده، با طرح دعوای مطالبه وجه به طرفیت شرکت مذکور و یک شخص حقیقی (آقای ح.ت.)، خواستار محکومیت تضامنی آنها به پرداخت مطالبات مذکور می‌گردد. هرچند به‌درستی مشخص نیست که خواننده ردیف دوم (شخص حقیقی)، سمت مدیریت شرکت را در اختیار داشته یا خیر، مسلماً نامبرده منتفع اصلی فعالیت‌های شرکت بوده است. دادرسی به طرفیت شرکت غیاباً و به طرفیت شخص حقیقی (ح.ت.) به صورت حضوری برگزار گردیده و دادگاه با رد مدافعات خواننده اخیر مبنی بر اینکه مطالبات خواهان ناشی از روابط قراردادی با شرکت بوده و به‌سبب شخصیت حقوقی

\* کارشناس ارشد حقوق تجاری اقتصادی بین‌الملل، دانشگاه تهران

Mjd.mirzaee@gmail.com

۱. رأی بدوی و تجدیدنظر پیوست مقاله می‌باشد.



مستقل شرکت دعوا توجهی به وی ندارد حکم به محکومیت تضامنی خوانندگان به پرداخت مبلغ خواسته صادر می‌کند. دادگاه در استدلال خود تأکید نموده: «هرگاه شرکت یک سلسله امور و اقدامات حقوقی را تحت کنترل شخص دیگر یا به وکالت دیگری انجام دهد به گونه‌ای که در مرحله ایجاد رابطه حقوقی اراده متعهد تحت سلطه و کنترل مؤثر آن شخص خارجی (ثالث) باشد تعهد ایجادشده را می‌توان منتسب به اصیل واقعی (شخص ثالث) دانست. به عبارتی هرگاه اقدامات و اعمال حقوقی که شخص حقوقی (شرکت) زیر نظر دیگری انجام می‌دهد ناشی از اراده کنترل‌کننده است، نتیجه گرفته می‌شود که در واقع طرف قرارداد یا اصیل واقعی کنترل‌کننده است و می‌بایست قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت را نادیده گرفت و مسئولیت را بر اصیل واقعی تحمیل کرد». رأی مذکور مورد اعتراض یکی از محکوم‌علیهما (ح.ت.) واقع گردیده لکن شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با این استدلال که ایراد و منقصد قانونی خاصی به دادنامه وارد نیست، آن را عیناً تأیید نموده است.

## ۲. نقد و بررسی:

### الف) اهمیت رأی:

رأی مورد اشاره از جهاتی جالب توجه و کم‌نظیر است چراکه در ظاهر، سه اصل از اصول پذیرفته‌شده در حقوق مدنی و حقوق تجارت را نقض کرده است: نخست، اصل استقلال شخصیت حقوقی مستقل شرکت: طبق ماده ۵۸۳ قانون تجارت، کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در آن قانون دارای شخصیت حقوقی مستقل از شرکاء و مؤسسين هستند. «دارا بودن شخصیت حقوقی به این معنا است که شرکت، صلاحیت داشتن حقوق و تکالیف و صلاحیت اجرای آن‌ها را دارد».<sup>۱</sup> این شخصیت حقوقی مستقل به شرکت اجازه می‌دهد تا مستقل از سهامداران، مؤسسين، شرکاء و یا مدیران خود در مقابل اشخاص ثالث دارای

۱. ربیعا اسکینی، حقوق شرکت‌های تجاری (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶)، ج ۱ ص ۴۰.

حقوق و تکالیف گردد. دامنه این حقوق و تکالیف بسیار گسترده است و جز آنچه بالطبع مختص اشخاص طبیعی است را دربرمی گیرد. پس جایی که شرکت به واسطه این شخصیت وارد رابطه حقوقی با اشخاص ثالث می گردد شخصاً و با اتکاء به دارایی خود باید پاسخگوی تعهدات حاصله باشد. مسئول تلقی نمودن هر شخص دیگری غیر از شرکت، در جایی که هنوز شخصیت حقوقی شرکت پابرجاست - دست کم در ظاهر - خلاف این اصل است.

**دوم، اصل مسئولیت محدود:** یکی از نتایج شخصیت حقوقی مستقل<sup>۱</sup> که حداقل در برخی شرکت‌های تجاری<sup>۲</sup> اعمال می‌شود اصل «مسئولیت محدود» است؛ به این معنا که مسئولیت سهامداران (یا شرکاء) در این دسته از شرکت‌ها محدود به میزان آورده آنان در شرکت است و چنانچه روزی، شرکت، منحل یا ورشکسته شود آنها زائد بر آورده خود مسئولیتی در قبال دیون احتمالی شرکت ندارند. بستانکاران نیز بعد از تصفیه شرکت و تقسیم دارایی آن، برای وصول مطالبات بلاوصول خود اصولاً حق رجوع به سهامداران را ندارند.<sup>۳</sup> اینکه دادگاه صادرکننده رأی مورد بحث، فارغ از مسئولیت محدود سهامدار یا شریک وی را زائد بر آورده خود در مقابل تعهدات شرکت مسئول دانسته و حکم به مسئولیت نامحدود سهامدار یا شریک مورد اشاره داده است نکته جالب توجه دیگر رأی مورد بحث می‌باشد.

۱. مرتضی شهبازی‌نیا و دیگران، «عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۷۴ (تابستان ۱۳۹۰): ص ۱۰.

۲. مقصود، شرکت‌های سهامی عام و خاص و شرکت‌های با مسئولیت محدود است؛ از دیرباز به این دسته از شرکت‌ها «شرکت‌های سرمایه» می‌گویند. نک: حسن حسینی، *حقوق تجارت* (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۹)، ج ۲، ص ۳۴۲؛ برخی نویسندگان با انتقاد از این تقسیم‌بندی آن را غیردقیق ارزیابی کرده‌اند: ربیعا اسکینی، پیشین، ص ۱۰؛ ثمره انتقاد را در شرکت‌های با مسئولیت محدود دانسته‌اند که آن را آمیزه‌ای از هر دو دسته شرکت‌های شخص و سرمایه به‌شمار آورده‌اند. همان، ص ۲۳۴.

۳. نک: ماده ۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷) درمورد شرکت‌های سهامی عام و خاص و ماده ۹۴ قانون تجارت درمورد شرکت‌های با مسئولیت محدود.

**سوم**، اصل نسبی بودن قراردادهای: ماده ۲۳۱ قانون مدنی مقرر داشته است: «معاملات و عقود فقط درباره متعاملین و قائم‌مقام قانونی آنها مؤثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶». <sup>۱</sup> به عبارت ساده‌تر، قرارداد نمی‌تواند شخصی غیر از طرفین عقد یا قائم‌مقام قانونی آنان را بدهکار یا بستانکار کند یا آنها را ملزم به انجام کار یا انتقال مالی نماید. <sup>۲</sup> حال که برای شرکت، شخصیت حقوقی مستقل قائل شده‌ایم در قراردادهایی که شرکت یکی از طرفین آن است حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد متوجه وی می‌گردد. علی‌هذا متعهد دانستن شخصی غیر از شرکت علی‌الظاهر ناقض اصل نسبی بودن قراردادهاست.

### ب) تحلیل رأی:

هرچند اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت متضمن فواید بسیاری در روابط تجاری و مالی است <sup>۳</sup> لکن این اصل و مهم‌ترین نتیجه آن (مسئولیت محدود)، در کنار کارایی در روابط اقتصادی و تجاری هدف انتقاداتی نیز قرار گرفته، پیامدهای منفی آن از نظر پنهان نمانده است. <sup>۴</sup> مهم‌ترین عیب و انتقاد وارده بر اصل استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود، تحمیل خطرات ناشی از ورشکستگی شرکت تجاری بر بستانکاران خصوصاً بستانکاران بدون وثیقه می‌باشد. <sup>۵</sup>

این معضل در نظام فعلی قانونگذاری کشور ما بیشتر به چشم می‌خورد؛ چراکه مقنن اجازه تأسیس شرکت تجاری با حداقل سرمایه را به مؤسسين

۱. به نظر می‌رسد منظور، قسمت اخیر ماده ۱۹۶ قانون مدنی باشد که پیرامون شرط ضمن عقد به نفع شخص ثالث است.

۲. امیرناصر کاتوزیان، حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها (تهران: انتشارات بهنشر، ۱۳۶۸)، ج ۳، ص ۲۷۶.

۳. برای مشاهده مختصر تجزیه و تحلیل فواید شخصیت حقوقی نک: منصور صقری، «شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری» نامه اتاق بازرگانی، ش ۱۴۷ (مهر و آبان ۱۳۴۴)، صص ۱۴-۱۵.

۴. برای ملاحظه مشروح بحث نک: اسماعیل فرجی، نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری، رساله برای دریافت درجه دکتری حقوق خصوصی (تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰)، صص ۱۰-۲۸.

۵. مرتضی شهبازی‌نیا و دیگران، پیشین.

می‌دهد. با توجه به اینکه دارایی هر شخص وثیقه عمومی دیون و تعهدات وی است، از این رو ما با اشخاصی با دارایی بسیار ناچیز مواجهیم که عملاً می‌توانند قراردادهایی کلان منعقد کنند. حتی در صورت محکومیت به موجب آراء قطعی دادگاه، اجرای حکم علیه آنها به همین سبب ناممکن است. از طرفی اجرای ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که اهرم مؤثری برای وصول محکوم‌به مالی است نیز درخصوص اشخاص حقوقی قابل اجرا نیست.<sup>۱</sup> در این موارد سهامداران و شرکاء می‌توانند به راحتی متوسل به نهاد ورشکستگی شوند که احتمالاً به بلاوصول ماندن دیون اشخاص ثالث از شرکت منجر شده یا اینکه وصول مطالبات را با مشقت بسیار مواجه می‌سازد.

از طرفی، اصل آزادی کامل بر تأسیس شرکت حاکم است و هیچ مجوزی برای تأسیس شرکت نیازی نیست<sup>۲</sup> که این موضوع نیز راه را برای تأسیس شرکت‌های فاقد دارایی<sup>۳</sup> باز می‌کند. مجموع این اوصاف باعث شده تا به تعبیر برخی، «در حقوق ایران همانند سایر کشورها حوزه حقوق شرکت‌ها یکی از زمینه‌هایی است که در آن شیوه‌های مختلف تقلب رواج دارد»؛<sup>۴</sup> چراکه مجموعه

۱. اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود.
۲. البته این گفته بر شرکت‌های سهامی عام صادق نیست؛ ماده ۲۵ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۴/۹/۱) مقرر داشته: «از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، برای ثبت شرکت‌های سهامی عام یا افزایش سرمایه آنها، اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی توسط مرجع ثبت شرکت‌ها پس از موافقت سازمان صادر می‌شود». علی‌هذا انتشار اعلامیه پذیرهنویسی شرکت‌های سهامی عام با موافقت سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مقدر خواهد بود. ماده ۲۳ قانون مزبور نیز در توضیح «سازمان بعد از بررسی تقاضای ثبت اوراق بهادار و ضامان آن و اطمینان از انطباق آن‌ها با مقررات، نسبت به تأیید اعلامیه‌ی پذیرهنویسی اقدام می‌کند». در دستورالعمل «ضوابط نظارت سازمان بر فرآیند تأسیس و افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی عام (مصوب ۱۳۸۶/۴/۲۷ هیأت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار)» اشاره‌ای به ضوابط و شرایط احتمالی تأسیس شرکت‌های سهامی عام نشده لذا به نظر می‌رسد صرف انطباق درخواست بر قوانین برای صدور مجوز انتشار اعلامیه پذیرهنویسی کافی است.
۳. در عرف به این قبیل شرکت‌ها «شرکت‌های کاغذی» نیز گفته می‌شود.
۴. همان، ص ۲۴.

مسائل فوق، این امکان را برای افراد فراهم می‌آورد تا از شرکت‌های تجاری و به‌طور خاص قاعده مسئولیت محدود استفاده متقابلانه نموده، با مخفی شدن در پشت حجاب شخصیت حقوقی مستقل شرکت از این قالب سوءاستفاده نمایند.

مسئله سوءاستفاده از قالب شرکت‌های تجاری پیش از نظام حقوقی ما در نظام‌های حقوقی غربی، مطرح و دادگاه‌ها و حقوقدانان در پی راهی برای مقابله با آن برآمده‌اند. قاعده «خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت»<sup>۱</sup> محصول تلاش دادگاه‌ها و حقوقدانان نظام حقوقی کامن‌لا در این راستا بوده است. قاعده مزبور ظاهراً نخستین بار در محاکم ایالات متحده آمریکا و تحت تأثیر اقتضانات و الزامات تجاری و اقتصادی مطرح گردیده، به قوانین و رویه قضایی سایر کشورها و مراجع داوری و حتی دیوان بین‌المللی دادگستری راه یافته است.<sup>۲</sup> «خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت حاکی از ایجاد وضعیتی است که طلبکاران شرکت بتوانند در صورت کافی نبودن سرمایه شرکت مسئولیت محدود شرکاء را نادیده گرفته و برای استیفای طلب خود به دارایی شخصی آن‌ها مراجعه کنند».<sup>۳</sup> نکته قابل توجه در خصوص اعمال قاعده فوق آن است که بستانکاران برای رجوع به شرکاء نیازی به طی مراحل ورشکستگی و تصفیه شرکت ندارند؛ یعنی در صورت وجود اسباب خرق، شرکاء می‌توانند شخصیت حقوقی شرکت و مسئولیت محدود شرکاء را نادیده گرفته، مستقیماً به دارایی شخصی شرکاء یا منتفعان اصلی شرکت<sup>۴</sup> رجوع نمایند.<sup>۵</sup>

۱. این قاعده در ادبیات حقوقی کشور ما علاوه بر عنوان رایج خرق حجاب شخصیت حقوقی، موسوم به عناوین دیگری چون «عبور از شخصیت حقوقی شرکت» و «نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت» است. نک: لعیا جنیدی و ملیحه زارع، «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران؛ تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت نشده شرکت»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ش ۱ (بهار و تابستان ۹۴): ص ۸۸. تمامی تعابیر فوق ترجمه عبارت انگلیسی Piercing/Lifting The Corporate Veil می‌باشد.

۲. محسن محبی و یاسر ضیائی، «صلاحیت فراسرزمینی در حقوق بین‌الملل در پرتو خرق حجاب شخصیت حقوقی» *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۱): ص ۸.

۳. لعیا جنیدی و ملیحه زارع، پیشین، ص ۸۷.

۴. مرتضی شهبازی‌نیا و دیگران، پیشین، ص ۱۲.

۵. لعیا جنیدی و ملیحه زارع، پیشین، ص ۹۷.

شایان ذکر است که قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت، قاعده‌ای استثنائی و اعمال آن منوط به اثبات شرایطی است که مهم‌ترین آن همانا اثبات تقلب شریک یا شرکاء و سوءاستفاده آنان از شرکت تجاری است.<sup>۱</sup>

قاعده دیگری که آن نیز مولود تلاش دادگاه‌های کامن‌لا برای اجرای انصاف در روابط قراردادی فی‌مابین شرکت‌های تجاری و اشخاص ثالث است قاعده «اصیل واقعی»<sup>۲</sup> می‌باشد. به‌موجب این قاعده، «هرگاه ثابت شود که در مرحله ایجاد رابطه حقوقی، اراده متعهد تحت سلطه و کنترل شخص خارجی باشد تعهد ایجادشده را می‌توان منتسب به اصیل واقعی مذکور دانست».<sup>۳</sup> به عبارت دیگر، به‌موجب قاعده مذکور، زمانی که طرف قرارداد اثبات نماید شخصی، امور مربوط به خود را توسط دیگری و به نام او انجام داده، به نحوی که در زمان ایجاد تعهد اراده اصیل ظاهری کاملاً تحت تسلط آن شخص غایب بوده، می‌توان شخص اخیر را اصیل واقعی تلقی نمود و وی را مسئول تعهدات ناشی از روابط قراردادی (و یا حتی غیرقراردادی) فی‌مابین اصیل ظاهری و شخص ثالث تلقی نمود هرچند که اصیل ظاهری کلیه امور انجام‌شده را منتسب به خود جلوه داده باشد.

همان‌طور که گفته شد عامل اساسی در قاعده اصیل واقعی، اثبات سلطه یا کنترل مؤثر اصیل واقعی بر اقدامات اصیل ظاهری است به‌نحوی که بتوان اصیل ظاهری را تا حد یک وکیل یا یک وسیله تنزل داده، اقدامات موصوف را

۱. درخصوص شرایط اعمال قاعده مزبور رویه واحدی بین محاکم در نظام کامن‌لا وجود ندارد و محاکم شرایط را درخصوص هر پرونده جداگانه (Case By Case) بررسی می‌کنند. حقوقدانان سعی نموده‌اند از بررسی آراء مختلف این شرایط را استخراج نمایند. جهت ملاحظه مشروح بحث در این خصوص همچنین برخی از مهم‌ترین آراء صادره در این باره در دادگاه‌های انگلستان و نیز مداخلات قانونگذار در این زمینه نک: مرتضی شهبازی‌نیا و دیگران، پیشین، صص ۱۲-۲۴؛ و نیز نک: لعیا جنیدی و ملیحه زارع، پیشین، صص ۸۹-۹۰.

۲. ترکیب واژگانی «اصیل واقعی» ترجمه اصطلاحی واژه لاتین Alter Ego به معنای تحت‌اللفظی «خود دیگر» است که با توجه به معنای اصطلاحی آن به اصیل واقعی ترجمه شده است. مرتضی نصیری، «ظریه اصیل واقعی و alter ego»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۲ (بهار ۱۳۶۴): صص ۲۱۱-۲۴۴.

۳. همان، ص ۲۲۴.

منتسب به اصیل واقعی دانست. هرچند محمل اجرای این قاعده، هم اشخاص حقیقی را دربرمی‌گیرد و هم اشخاص حقوقی را ولكن عملاً و به‌طور معمول این اشخاص حقوقی هستند که ابزار اجرای منویات اشخاص حقیقی و یا اشخاص حقوقی بزرگ‌تر - در قالب شرکت‌های فرعی - واقع می‌شوند. هریک از جهات ذیل را می‌توان به عنوان اماره‌ای برای اثبات سلطه یا کنترل و انتساب اعمال اصیل ظاهری به اصیل واقعی تلقی نمود:

۱- هرگاه شرکت برای انجام مقصود تشکیل آن آشکارا فاقد سرمایه لازم باشد.

۲- بین حساب‌های شخصی سهامداران و شرکت تفکیک منطقی وجود نداشته باشد.

۳- سهامداران شرکت را به عنوان نام و وسیله‌ای برای انجام امور شخصی خود قرار داده یا به کمک امکانات شخصی خویش اعتبارات ظاهری برای شرکت به‌وجود آورده باشند به‌طوری‌که اشخاص ثالث را فریفته باشد.<sup>۱</sup>

البته باید توجه داشت که شخصیت شرکت، امری است فرضی و اعمال حیاتی و تصمیمات آن توسط ارکان آن - که متشکل از اشخاص حقیقی است - صورت می‌گیرد لکن این درجه از وابستگی برای کنار نهادن شخصیت حقوقی شرکت کافی نبوده بلکه لازم است شرکاء مراعات اصل استقلال شخصیت حقوقی را نمایند و حساب‌های شرکت از حساب‌های شرکاء جدا نبوده، و شخص حقوقی به اموری شاغل باشد که منحصراً مربوط به شرکای آن است.<sup>۲</sup>

۱. همان، صص ۲۲۸-۲۲۹.

۲. در کامن‌لا به چنین شرکتی «شرکت اسیر» اطلاق می‌گردد. شایان ذکر است اجرای قاعده «اصیل واقعی» در رویه قضایی محاکم کامن‌لا شرایط دیگری نیز دارد لکن هدف نوشتار حاضر تنها آشنایی کلی با این قاعده است. برای ملاحظه بحث تفصیلی در این مورد نک: همان، صص ۲۱۱-۲۴۴.



فوقاً به پاره‌ای از تلاش دادگاه‌ها<sup>۱</sup> و حقوقدانان نظام کامن‌لا برای ایجاد تعادل<sup>۲</sup> میان فواید و پیامدهای منفی اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت و اصل مسئولیت محدود اشاره شد. البته این کوشش‌ها که به محدوده عمل قانونگذار نیز وارد شده<sup>۳</sup> است و بر این حوزه تأثیر گذاشته، با پیشتازی و ابتکار عمل دادگاه‌های این نظام حقوقی بوده است.

طبعاً اشکالات و مسائل حادث‌شده پیرامون مسئله شخصیت حقوقی مستقل و مسئولیت محدود شرکاء در نظام حقوقی کشورمان نیز مطرح و دادگاه‌ها و حقوقدانان را بر آن داشته تا با توجه به اصول کلی حقوقی دائر بر منع اضرار و جلوگیری از بروز تقلب نسبت به قانون و نیز لزوم برقراری عدالت به فکر چاره‌ای برای پوشش این نقطه‌ضعف بپردازند.

برخی حقوقدانان، متأثر از نظریه خرق حجاب شخصیت حقوقی در نظام کامن‌لا در تلاش برای تمهید نظریه‌ای جامع، از مفاهیم سنتی نظام حقوقی کشورمان نظیر منع سوءاستفاده از حق، منع تقلب نسبت به قانون و قاعده فقهی لاضرر بهره‌جسته و سعی نموده‌اند با تنقیح مناط از برخی مقررات پراکنده قانونی خصوصاً اصل چهلم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>۴</sup> مانع نفوذ حقوقی استفاده متقلبانه از شرکت‌های تجاری شوند. «بر این اساس و با توجه به تعریف

۱. در نظام حقوقی کامن‌لا از میان شاخص‌ترین آراء در این حوزه می‌توان به آراء ذیل اشاره نمود:

(الف) پرونده Tan v Lim.

(ب) پرونده Gencor v Dalby.

(ج) پرونده Motor Co Ltd v Horne.

(د) پرونده Chandler v Cape pic.

(ه) پرونده Adams v Cape Industries.

(و) پرونده Creasy v Breach Wood Morors Ltd.

۲. اسماعیل فرجی، پیشین، ص ۳۰.

۳. برای ملاحظه تأثیرپذیری قانونگذار در انگلستان از نظریه «خرق حجاب شخصیت حقوق» نک: مرتضی

شهبازی‌نیا و دیگران، پیشین، ص ۱۹.

۴. هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

شرکت تجاری که عنصر قرارداد از عناصر سازنده آن است، در صورتی که انگیزه متقلبانه مؤسسین در عمل حقوقی تشکیل شرکت احراز شود، با تمسک به حکم کلی استخراجی از مواد قانونی مذکور می‌توان مانع از نفوذ حقوقی اقدامات متقلبانه شرکای شرکت تجاری شد.<sup>۱</sup>

علی‌رغم تلاش‌های فوق، محاکم هنوز در این خصوص مردد هستند و اندک شواهدی از استقبال دادگاه‌ها از این نظریات در دست است. رأی موضوع نقد در این نوشتار یکی از این موارد است.

در این دادنامه، دادگاه صادرکننده ضمن عبور از شخصیت حقوقی شرکت، مسئولیت ناشی از اقدامات حقوقی با مباشرت شرکت انجام‌یافته را بر ثالثی که وی را مدیر و اداره‌کننده اصلی شرکت دانسته، تحمیل نموده است (خوانده ردیف اول)؛ با این استدلال که چون شرکت موصوف، تحت کنترل مؤثر شخص خارجی بوده تا حدی که آن (شرکت) را از یک شخص حقوقی به یک وسیله صرف برای تجارت و کسب و کار شخص خارجی مذکور تبدیل نموده است لذا باید با عبور از شخصیت حقوقی مفروض، منتفع اصلی را بیابد و تعهدات ناشی از روابط حقوقی شخص حقوقی را به وی تحمیل نماید. هرچند استنتاج فوق به عنوان یک جهت حکمی قابل تأیید است لکن دادگاه اشاره واضحی به جهات موضوعی قضیه ننموده در حالی که بهتر می‌بود اندکی بیشتر به آن (جهت موضوعی) می‌پرداخت و به تبیین اوضاع و احوالی که عدم استقلال شخصیت شرکت و تنزل آن به یک ابزار محض جهت کسب و کار اصیل واقعی را اثبات می‌کند توجه بیشتری می‌نمود.

۱. همان، ص ۳۰. برای تفصیل بیشتر نک: اسماعیل فرجی، پیشین، ص ۱۰۹ - ۱۴۴. هرچند این نظریه به عنوان گام نخست، ستودنی و قابل توجه است لکن دربرگیرنده ابهاماتی است؛ چنانکه برای مثال، اگر قصد متقلبانه شرکاء در عمل حقوقی تشکیل شرکت احراز نشود لکن انگیزه متقلبانه آنها در تداوم حیات شرکت محرز گردد تکلیف چیست؟ و یا منظور از جمله «مانع از نفوذ حقوقی اقدامات متقلبانه شرکای شرکت تجاری شد» دقیقاً چیست؟ آیا فرض خرق حجاب شخصیت حقوقی تنها محدود به فرضی است که شرکاء مرتکب تقلبی شوند؟

ظاهراً دادگاه، صرف کنترل مؤثر بر اعمال اصیل شرکت را برای انتساب مسئولیت به اصیل واقعی کافی ندانسته، آن را منوط به احراز قصد تقلب دانسته است؛ چراکه در ادامه به قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون و منع سوءاستفاده از حق استناد کرده<sup>۱</sup> اگرچه بر حسب ظاهر، انگیزه متقابلانه را با مراجعه به اوضاع و احوال قضیه احراز نموده، لکن به مانند بند پیشین اشاره‌ای به اوضاع و احوال موصوف به عمل نیاورده است.

جدّ و جهد دادگاه در جهت یافتن محملی برای جلوگیری از تقلب و منع اضرار قابل توجه است و می‌تواند در موارد مشابه راهنمای عمل محاکم قرار گیرد. استدلال دادگاه بسیار شبیه به نظریه اصیل واقعی (Alter Ego) در نظام کامن‌لاست. فی‌الواقع دادگاه منتفع اصلی را اصیل واقعی قرارداد تلقی نموده است و این‌گونه تشخیص داده که قصد منعقدکننده قرارداد، انعقاد قراردادی برای خود بوده نه برای شرکت؛ اوضاع و احوال حاکم بر قضیه هم دادگاه را در این مسیر یاری کرده است. از همین جا می‌توان محمل نظری مناسب برای صدور حکم در موارد مشابه را یافت. درحقیقت، آنجا که سود و زیان ناشی از یک قرارداد به شخص حقوقی به عنوان یک شخص مستقل بازنمی‌گردد بلکه بالعکس مستقیماً متوجه شریک یا سهامدار یا شخص مدیر است می‌توان شخص اخیر را «اصیل واقعی» قلمداد کرد و تعهدات ناشی از قرارداد را نیز بر وی تحمیل نمود. ناگفته نماند که از این منظر می‌توان به تفسیر ماده ۱۹۶ قانون مدنی<sup>۲</sup> نیز پرداخت؛ مقنن در ماده مذکور، حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد را متوجه کسی دانسته است که قرارداد را منعقد کرده مگر اینکه موقع عقد آن (قرارداد) و یا بعداً خلاف آن تصریح و یا ثابت گردد. قانونگذار در ظاهر امر، متعرض فرضی نشده است که

۱. طبق نظر صحیح‌تر، برای اعمال و اجرای قاعده «جلوگیری از تقلب نسبت به قانون»، احراز قصد تقلب، ضروری است. نک: محمدصادق طباطبائی و رسول قاسمی، «قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون در حقوق داخلی» مجله حقوق اسلامی، ش ۳۱ (زمستان ۱۳۹۰): ص ۱۳۰.

۲. کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود فرد محسوب می‌شود مگر اینکه هنگام عقد یا پس از آن، خلاف آن تصریح و یا ثابت گردد....

شخصی نیابت خود را هنگام انعقاد قرارداد اعلام کند لکن در صورت اثبات اینکه قرارداد را برای خود منعقد نموده به نظر نمی‌رسد مانعی برای رجوع به اصیل واقعی - که همانا منعقدکننده قرارداد است - در این فرض باشد. در مانحن‌فیه نیز چنین اتفاقی افتاده است؛ هرچند منعقدکننده قرارداد، خود را مدیر شرکت معرفی کرده ولی با توجه به اوضاع و احوال محرزشده فی‌الواقع قرارداد برای خود او بوده، و شرکت صرفاً پوششی بوده است برای فرار از تعهدات احتمالی.

لازم به یادآوری است هرچند جهات موضوعی و حکمی رأی، قابل دفاع و تأیید می‌باشد ولیکن منطوق رأی از این حیث که شرکت و اصیل واقعی را متضامناً مسئول پرداخت دین دانسته، قابل انتقاد است. به‌واقع باید در نظر داشت که در نظام حقوقی ایران تضامن، خلاف اصل تلقی می‌شود و مسئول دانستن دو یا چند تن در قبال دین واحد نیازمند تصریح قانونی است حال آنکه در دادنامه به مستند قانونی تضامن اشاره‌ای نشده مضافاً در قضیه حاضر از آن جا که نهایتاً تعهد متوجه یکی از طرفین (اصیل واقعی) است و دیگری (اصیل ظاهری - شخص حقوقی) تنها در حد یک «وسيله» نزول داده شده علی‌القاعده آن که تعهد متوجه اوست.

## نتیجه‌گیری

کارایی روابط تجاری و اقتصادی مستلزم پذیرش برخی اصول خاص است؛ اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری یکی از این اصول می‌باشد ولیکن اصل مذکور ممکن است در برخی موارد کارکردی برخلاف عدالت و انصاف داشته باشد و راه تقلب و سوءاستفاده را باز کند. حقوقدانان و محاکم در نظام‌های حقوقی غربی، خصوصاً نظام کامن‌لا سعی نموده‌اند با طرح نظریه خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت علاوه بر کمک به عادلانه‌تر کردن مقررات حقوق شرکت‌ها بین منافع و مضرات اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت تعادل برقرار نمایند. این تلاش‌ها با محوریت دادگاه‌ها به حوزه عمل قانونگذاران و حتی دیوان‌های داوری بین‌المللی نیز راه یافته است.

تلاش‌های مشابهی برای بستن باب تقلب و سوءاستفاده و نیل به عدالت در نظام حقوقی ما نیز صورت گرفته است؛ هرچند محاکم کشورمان با احتیاط با این نظریات مواجه شده لکن شواهدی از استقبال و پذیرش نظریاتی مشابه خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت از سوی محاکم، در دست است. رأی موضوع نقد در این نوشتار از آن جمله می‌باشد. در رأی یادشده، دادگاه با استعانت از اصول منع سوءاستفاده از حق و منع تقلب نسبت به قانون و با استفاده از مفهوم کلیدی «کنترل مؤثر» قاعده‌ای مشابه قاعده اصیل واقعی<sup>۱</sup> در نظام کامن‌لا وضع نموده است و منتفع اصلی فعالیت شرکت را در قبال تعهدات آن مسئول دانسته، حکم به محکومیت وی داده است. این رأی از آن جهت قابل توجه می‌باشد که می‌توان آن را نقطه عطفی در مفهوم شخصیت حقوقی مستقل شرکت و تلاشی برای نظریه‌پردازی در عرصه حقوق شرکت‌ها جهت نیل به عدالت و منع تقلب نسبت به قانون دانست.

## فهرست منابع:

### کتاب:

- ۱- اسکینی، ربیعا، حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۱ (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶).
- ۲- حسنی، حسن، حقوق تجارت، ج ۲ (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۹).
- ۳- فرجی، اسماعیل، نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری، رساله برای دریافت درجه دکتری حقوق خصوصی (تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰).
- ۴- کاتوزیان، امیرناصر، حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها، ج ۳ (تهران: انتشارات بهنشر، ۱۳۶۸).
- ۵- کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳).

### مقالات:

- ۱- جنیدی، لعیبا و ملیحه زارع، «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران؛ تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت‌نشده شرکت» مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۴).
- ۲- شهبازی‌نیا، مرتضی، محمد عیسائی‌تفرشی، کوروش کاویانی و اسماعیل فرجی، «عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس»، مجله حقوقی دادگستری ش ۷۴ (تابستان ۱۳۹۰).
- ۳- صقری، منصور، «شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری» نامه اتاق بازرگانی، ش ۱۴۷ (مهر و آبان ۱۳۴۴).

۴- طباطبائی، محمدصادق و رسول قاسمی، «قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون در حقوق داخلی» **مجله حقوق اسلامی**، ش ۳۱ (زمستان ۱۳۹۰).

۵- محبی، محسن و یاسر ضیائی، «صلاحیت فراسرزمینی در حقوق بین‌الملل در پرتو خرق حجاب شخصیت حقوقی» **مجله حقوقی بین‌المللی**، ش ۴۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۱).

۶- نصیری، مرتضی، «نظریه اصیل واقعی و *alter ego*» **مجله حقوقی بین‌المللی**، ش ۲ (بهار ۱۳۶۴).

## پیوست:

### مشخصات رأی اول

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۱۰۱۷۱۷

مرجع رسیدگی: شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

### رأی دادگاه

درخصوص تجدیدنظرخواهی آقای م.د. به وکالت از آقای ح.ت. نسبت به دادنامه شماره ۹۲۰۰۰۹۶۵ مورخ ۹۲/۸/۱۸ صادره از شعبه ۳۵ دادگاه عمومی تهران [که] مشتمل بر صدور حکم بر محکومیت تضامنی خواندگان (تجدیدنظرخواه) به پرداخت مبلغ ۲/۳۷۶/۶۷۶/۲۳۲ ریال بابت خرید کارتن به‌عنوان اصل خواسته و مبلغ ۴۷/۵۳۳/۵۲۴ ریال بابت هزینه دادرسی و پرداخت حق‌الوکاله وکیل طبق تعرفه و خسارت تأخیر تأدیه (نسبت به مبلغ چک از تاریخ سررسید و نسبت به مابقی خواسته از تاریخ تقدیم دادخواست) در حق تجدیدنظرخواه می‌باشد در مجموع وارد و موجه نیست و رأی صادره، صحیح و خالی از ایراد و منقصد قانونی بوده و دادنامه موصوف با عنایت به محتویات پرونده و مستندات ابرازی طرفین و با رعایت اصول و مقررات و قواعد دادرسی اصدار گردیده و بر استدلال و استنباط دادگاه بدوی مبنی بر احراز مديونیت و مسئولیت تضامنی تجدیدنظرخواه خدش‌های وارد نمی‌باشد. بنابراین تجدیدنظرخواهی را غیرموجه، تشخیص و با ردّ اعتراض، دادنامه معترض‌عنه را با استناد به ماده ۳۵۸ از قانون آیین دادرسی در امور مدنی تأیید می‌نماید. این رأی، قطعی است.

### مشخصات رأی دوم

شماره رأی بدوی: ۹۲۰۰۰۹۶۵

مرجع رسیدگی: شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران

### رأی دادگاه

درخصوص دعوی شرکت صنایع بسته‌بندی الف. با وکالت آقایان: ق.ق. و ع.ط. به‌طرفیت ۱- آقای ح.ت. با وکالت بعدی آقای م.د. ۲- شرکت ت. به خواسته مطالبه مبلغ ۲/۳۷۶/۶۷۶/۲۳۲ ریال با احتساب خسارات دادرسی به اعتقاد دادگاه، اگرچه شخصیت حقوقی شرکت از شخصیت حقیقی اعضاء و مدیران آن مستقل است و به لحاظ همین استقلال شخصیت حقوقی، شرکت می‌تواند دارای حق و تکلیف شود و



جز در خصوص شرکت‌هایی که شرکاء شخصاً ضامن تعهدات شرکت هستند در سایر شرکت‌ها، طلبکاران حق مراجعه به شرکاء را ندارند و شرکت شخصاً پاسخ‌گو و مسئول در رابطه با بدهی‌های ناشی از معاملات آن با اشخاص طرف قرارداد می‌باشد لکن هرگاه شرکت، یک سلسله امور و اقدامات حقوقی را تحت کنترل شخص دیگر یا به وکالت دیگری انجام دهد به گونه‌ای که در مرحله ایجاد رابطه حقوقی اراده متعهد تحت سلطه و کنترل مؤثر آن شخص خارجی (ثالث) باشد تعهد ایجادشده را می‌توان منتسب به اصیل واقعی (شخص ثالث) دانست. به عبارتی، هرگاه اقدامات و اعمال حقوقی که شخص حقوقی (شرکت) زیر نظر دیگری انجام می‌دهد ناشی از اراده کنترل‌کننده است، نتیجه گرفته می‌شود که در واقع طرف قرارداد یا اصیل واقعی کنترل‌کننده است و می‌بایست قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت را نادیده گرفت و مسئولیت را بر اصیل واقعی تحمیل کرد و این نظریه علاوه بر جایگاه غیرقابل انکار آن در حقوق بین‌الملل و حقوق تطبیقی در حقوق داخلی و مبانی فقهی ما نیز براساس قاعده تقلب نسبت به قانون و جلوگیری از سوءاستفاده از حق قابل استنباط و اجرا است در مانحن‌فیه حسب گزارش کارشناسی مضبوط در پرونده و مستندات ابرازی خواهان بیش از ۱۷ سال با خواننده ردیف اول (آقای ت.) و بیش از ۱۴ سال با خواننده ردیف دوم ارتباط تجاری داشته است و کلیه معاملات انجام‌گرفته و قراردادهای منعقد فی‌مابین دو شرکت از طریق نمایندگی شخص آقای ت. (خواننده ردیف اول) و با امضاء ایشان صورت گرفته است و در واقع ورود شرکت خواننده به پای معاملات تجاری با خواهان از طریق مشارالیه و به واسطه رابطه تجاری قبلی وی صورت پذیرفته است در نتیجه خواننده ردیف اول نقش مدیریت و اداره‌کننده اصلی را به عهده داشته است و این شرکت وسیله‌ای بوده که خواننده ردیف اول تجارت خود را به وسیله آن انجام می‌داده و حتی در قبال معاملات آن چک تضمینی صادر نموده است. بنابراین مشارالیه به‌عنوان اصیل واقعی مسئول پرداخت دیون شرکت می‌باشد و استناد به اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت نمی‌تواند مستمسکی برای براءت ذمه و رفع مسئولیت از خواننده ردیف اول باشد. بنا به مراتب فوق، دادگاه ضمن ردّ دفاعیات شکلی و ماهوی وکیل خواننده، دعوی مطروحه را وارد و ثابت دانسته و مستنداً به اصل ۴۰ قانون اساسی و مواد ۳۱۰، ۳۱۳ و ۳۱۴ قانون تجارت و مواد ۱۹۸، ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، حکم بر محکومیت تضامنی خوانندگان به پرداخت مبلغ ۲/۳۷۶/۶۷۶/۲۳۲ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۴۷/۵۳۳/۵۲۴ ریال بابت هزینه دادرسی و پرداخت حق الوکاله وکیل بر طبق تعرفه و خسارت تأخیر تأدیه (نسبت به مبلغ چک از تاریخ سررسید و نسبت به مابقی خواسته از تاریخ تقدیم دادخواست) در حق خواهان صادر و اعلام می‌کند. رأی صادره نسبت به خواننده ردیف دوم (شرکت)، غیابی و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ، قابل واخواهی در همین شعبه و نسبت به خواننده ردیف اول، حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران است.